

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אורח חיים

תצוה

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

۱۵ اذار ۵۷۸۱

5 ف ت ا ر ی روش ن گ

یا گناه زنا ، ممکن است فرد در اصل مرتکب به این خطا نشده ، ولی اگر تصویر نامناسبی دیده باشد یا زنائی که با او محرم نیستند را لمس کرده باشد ، این نیز ریشه گناه زناکاری محسوب می شود و کهن گادول با شلوار خود این دست گناهان را کفاره می نمود.

علاوه بر این ، افکار و سخنان ناشایست مربوط به زنا ، به مانند زناکاری محسوب می شوند و خافص خیم در این باره می فرماید این دسته از سخنان باعث می شوند که خد-اوند و نور جلال شخینا از ما دور شود و وقتی خد-اوند از ما دور است ، تمام بدبختیها و مشکلات شروع می شوند.

تاج کهن گادول گناه تکبر را کفاره می کرد و این گناه بسیار دیده می شود ، مخصوصاً در این دوران که تکبر و پرویی بسیار زیاد شده است و حتی کودکان نیز از بزرگسالان خجالت نمی کشند و خود را بهتر از آنها می دانند ، جوانان در صحبت با بزرگتران ، احترام لازم را نگه نمی دارند و به خود اجازه می دهند حرف بزرگتر از خود را با بی احترامی زیر پا گذارند ، حتی اگر این بزرگتر ، والدین یا معلم آنها باشد. و ریشه این گناهان همان تکبر است. و وقتی تأمل نماید ، متوجه می شود هیچ چیز ندارد که بخواهد به آن تکبر نماید. چنانچه داوید هملخ می فرماید: "تکبر فقط شایسته خد-اوند است."

کمر بند ، گناهان مربوط به قلب را کفاره می کند. حال چه کسی می تواند بر خود شهادت دهد که قلب او پاک است و هیچ احساس یا فکر بدی در قلب او نیست؟

اگر فرد فکر می کند خد-اوند او را رها کرده و یا خد-اوند حق او را پایمال می کند و غیره ، تمام این افکار ، گناه محسوب می شوند.

گردنبند اوریم و تومیم ، گناهان قضاوت نادرست را کفاره می کرد. حال قضاوت نادرست خود قاضی ، گناه بسیار سنگینی است که گاهی ، گناه دزدی و غصب را نیز در بر دارد. حال این مورد فقط مربوط به قاضیان نیست ، زیرا هر کس که به حقوق و دارایی ممنوع

این پاراشا در مورد الباس کهن گادول می خوانیم و توراہ توضیح می دهد شخص کهن گادول هشت نوع لباس می پوشید: "پیراهن ، شلوار ، کلاه ، کمر بند ، تاج ، جلیقه ، کت و گردنبند اوریم و تومیم."

گمارا (مسخت عراخین ، برگ ۱۶ ، صفحه اول) می پرسد: "چرا در دنباله پاراشای مربوط به قربانیها پاراشای مربوط به شرح الباس اهرون هکهن آمده است؟"

گمارا در پاسخ می فرماید: "زیرا هر یک از این الباس گناه مخصوصی را کفاره می کردند ، پیراهن ، قتل و ریختن خون ، شلوار ، زناکاری ، کلاه ، تکبر ، کمر بند ، افکار و احساسات ناشایست در قلب انسان ، گردنبند اوریم و تومیم ، قضاوت نادرست ، جلیقه ، گناه بت پرستی ، کت ، گناه غیبت و بدگویی و تاج ، گناه پرویی را کفاره می نمودند."

حال ممکن است شخص بگوید این گناهان بسیار سنگین هستند و افراد کمی مرتکب به این گناهان می شوند ، پس چرا لازم بود همواره کهن گادول این لباسها را بپوشد و این دست گناهان قوم یسرائل را کفاره نمایند؟ مگر نه اینکه این دست گناهان به ندرت اتفاق می افتادند؟

در پاسخ دانشمندان توراہ می فرمایند:

هر گناه و خطایی ریشه و شاخه ای دارد و ممکن است فرد عملی را انجام دهد که به نظر گناه نیست یا گناهی ساده است ، ولی در اصل ، ریشه این گناه یا شاخه آن در یکی از این گناهان سنگین می باشد.

برای مثال ، گاهی شخص به دوست خود ، حرفی زده و احساسات دوست خود را جریجه دار می کند ، این به مانند این است که دوست خود را کشته است. همچنین شخصی که آبروی ممنوع خود را می برد و جلوی دیگران او را خجالت زده می کند ، به مانند این است که او را کشته است. پس لازم بود شخص کهن گادول با پیراهن خود این گناهان را کفاره نماید.

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

که می‌خواهد بگوید فکر نمی‌کند ، مطمئناً مرتکب گناه سخن‌چینی می‌شود.

باید دانست هر سخن و حرفی که باعث آزار و اذیت دیگری می‌شود ، غیبت و سخن‌چینی نام دارد. خد-اوند زبان را به انسان داده تا با آن ، صلح برقرار نماید و نه این که خد-ای ناکرده برعکس عمل نموده و با آن نفرت و دشمنی پراکنده نماید.

و تاج ، گناه پررویی را کفاره می‌کرد. پررویی ریشه گناهان بسیاری است ، مخصوصاً گناهان بین شخص و ممنوع خود. حال که بیت‌همیقداش ویران است و این الباس نیستند تا گناهان ما را کفاره نمایند ، بیشتر باید مواظب باشیم تا مرتکب این دست از گناهان نشویم ، زیرا نه قربانی و نه الباس کهن گادول وجود دارند که این گناهان را کفاره نمایند.

اگر خدای ناکرده شخص مرتکب این گناهان یا شاخه‌ای از این گناهان شد ، باید با جدیت از این گناهان توبه و تمام تلاش خود را بنماید که دوباره مرتکب این گناه نشود. آرزو داریم هر چه زودتر بیت‌همیقداش آباد شود و مزکی به نجات کامل شویم. آمَن!

خود بی‌احترامی می‌نماید ، حق او را پایمال نموده و کاری می‌کند که دوستش ضرر نماید ، به این صورت نشان می‌دهد که دوست خویش را به خوبی قضاوت نمی‌کند.

جلیقه ، گناه بتپرستی را کفاره می‌کرد. حال ممکن است فرد بگوید که در این ایام ، بت و بتپرستی وجود ندارد و فقط افراد احمق و کم‌درک هستند که بتپرستی می‌کنند. ولی شاخه‌ها و ریشه‌های بتپرستی وجود دارند. کسی که بجای امید به خد-اوند ، به دوست و آدمیزاد توکل می‌کند و منتظر است که آدمیزاد او را نجات دهد و مشکل او را حل نماید ، به مانند این است که بتپرستی نموده ، زیرا به نظارت شخصی خد-اوند بر خود ، ایمان ندارد. یا شخصی که عصبانی می‌شود و از شدت عصبانیت ، چیزی را پاره یا پرت می‌کند ، به مانند این است که بتپرستی نموده ، زیرا در نظر ندارد که خد-اوند همه جا هست و ناظر اعمال وی است.

کت ، گناه غیبت و بدگویی را کفاره می‌کند. متأسفانه این گناه در نزد افراد بسیاری یافت می‌شود. اگر شخص هلاخاهای سخن‌چینی و غیبت را نمی‌آموزد و قبل از بیان سخن ، در مورد هر یک از کلماتی

آموزش توراه

از هر حرف ، چندین هلاخا آموخته‌اند ، پس نباید به سادگی و بدون اهمیت به آنها از این پاراشاها بگذریم.

شلومو هملخ می‌فرماید:

”شخص تنبل ، به نزد مورچه برو و از رفتار او پند بگیر.“

از این مورد دانشمندان توراه آموخته‌اند که باید از رفتار حیوانات نیز پند گرفت. برای مثال ، از مورچه ، زرنگی را یاد گرفت که چقدر تلاش و کوشش می‌نماید و یا از کبوتر ، وفاداری و از گربه ، تربیت را یاد گرفت که جلوی دیگران مدفوع خود را انجام نمی‌دهد. باید گفت منظور دانشمندان توراه این بوده که باید از حیوانات رفتار خوب آنها را آموخت ، نه اینکه به خواب زمستانی رفتن خرس را سرمشق خود قرار داد و در طول این پاراشاها ، به خواب برویم...!

هخافص خییوم روحش شاد در این مورد مثال می‌آورد و می‌فرماید: فرض کنیم به ما اطلاع می‌دهند در فلان شهر کتابی پیدا شده که به دست فرشته گبریئل نوشته شده است. حال هر کس با شنیدن این مورد کنجکاو می‌شود تا بداند در این کتاب چه نوشته شده و حتی حاضر بود تا پول بسیاری بدهد و فقط این کتاب را ببیند و اگر مزکی می‌شد که این کتاب را بیاموزد ، صد البته که شادی او حد و مرز نداشت. حال این توراه را ما از خود خد-اوند گرفته‌ایم ، پس چقدر باید خوشحال باشیم و تلاش کنیم که هر حرف و هر کلمه آن را بفهمیم. ولی متأسفانه ، افراد بسیاری فقط این کتاب را می‌بوسند و در کمد یا

این پاراشا در مورد الباس کهن گادول توضیح می‌دهد.

افراد بسیاری هستند که در فهم پاراشا تأمل نمی‌کنند و می‌گویند: ” من از این پاراشا هیچ چیز نمی‌فهمم و نمی‌دانم ظروف میشکان و لباسهای افراد کهن چطور بوده و میشکان چطور ساخته شده و در آن چه موادی به کار گرفته شد ، این موارد در حد عقل من نیست و لازم نیست در این پاراشاها تأمل نمایم و خود را بی‌خود خسته کنم.“

با رسیدن به کتاب وییقرا نیز این افراد با خود می‌گویند: ”این موارد قربانیها و نکات ناپاکی و طهارت غیر قابل درک هستند و همچنین اکنون که بیت‌همیقداش و قربانیها وجود ندارند، پس چرا بی‌خود زحمت بکشم ، همین که کتاب برشیت و نیمی از کتاب شموت را بلد هستم کافی است!“

و با این سخنان ، خود را از فهم پاراشاها معاف می‌کنند و بخش‌های مهمی از توراه را نمی‌دانند. دانشمندان توراه در باره هر عبارت و هر کلمه از این پاراشاها بحث نمودند تا به طور دقیق بفهمند میشکان و ظروف آنها چطور ساخته شد و راشی جمله به جمله این سخنان دانشمندان توراه را یاد می‌کند و پاراشا را تفسیر می‌نماید ، ما نیز موظف هستیم حداقل یک بار به طور کامل این موارد را مطالعه و این پاراشاها را بفهمیم.

باید با رسیدن به این پاراشاها خود را به خواب زمستانی بزنییم ، از اینجا تا انتهای پاراشای شموت تقریباً پانزده فصل هست و دانشمندان توراه

و شخصی که اسرار توره را نیز آموخته است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "تو که به این قسمت مشغول شدی ، پس چرا خوب دقت و تأمل نکردی تا تمام موارد را به خوبی بیاموزی؟"

به همین جهت ربی بیشمائل فرمود: "این روز قضاوت بسیار سخت است و وای بر ما اگر در این روز خجالت‌زده شویم. خوشا به حال شخصی که توریایی که که آموخته را خوب بلد است و می‌تواند در این روز پاسخگوی سؤالات خد-اوند باشد."

حال در این روز هر آدمی بر طبق استعدادهای خود محاکمه می‌شود و اگر قدرت فهم این مطالب را داشته اما از آموختن آنها خودداری نموده و گفته است: "این مطالب از درک من خارج هستند."

در این صورت است که خد-اوند از او روی برمی‌گرداند...

در بالا ذکر کردیم لباس کهن گادول ، گناهان سنگینی را کفاره می‌کردند. حال وقتی شخص مشغول آموزش مطالب مربوط به قربانی می‌شود ، خد-اوند برای او حساب می‌کند که این قربانی را آورده است ، برای مثال ، اگر مشغول آموزش مطالب قربانی عولا شود ، خد-اوند برای او حساب می‌کند که این شخص قربانی عولا را آورده و اگر مطالب مربوط به قربانی خطات را بخواند ، خد-اوند برای او حساب می‌کند که قربانی خطات را آورده است. نیز وقتی شخص مشغول به آموزش مطالب مربوط به این لباس می‌شود ، خد-اوند برای او حساب می‌کند که انگار این شخص این لباس را تهیه کرده و بر تن کهن گادول نموده و به این صورت ، گناه مربوط به آن لباس را کفاره می‌نماید.

گمارا در مسخت سوطا می‌فرماید: "از روزی که ربی عقیوا از دنیا رفت ، احترام توره باطل شد."

خصوصیت ربی عقیوا این بود که بر هر تاج روی حروف توره ، هلاخاهای بسیاری را می‌آموختند و با نشان دادن این عمق توره به مردم ، احترام توره را بالا می‌بردند. حال ما نیز وظیفه داریم با اشتغال به مطالب توره ، احترام توره را تا حد توان خویش بالا برده و با پی بردن به عمق توره ، عظمت توره را به خود و به اطرافیان

نشان دهیم. با آموزش توره می‌توان گناهان را کفاره نمود و فرا رسیدن نجات کامل را سرعت بخشید.

برگرفته از "مگید دواراو ليعقوب"

کتابخانه می‌گذارند و سالها می‌گذرند بدون اینکه حتی یک بار به طور کامل آن را فهمیده باشد که در توره چه نوشته شده است.

در میدراش بر کتاب میثلی آمده است:

ربی بیشمائل فرمود: بیا و ببین روز قضاوت ، خد-اوند چقدر سخت است. خد-اوند همه را قضاوت می‌کند و از انسان می‌پرسد: "آیا مشغول آموزش توره شدی؟"

و انسان در پاسخ می‌گوید: "بله ، به آموزش توره مشغول شدم و توره آموختم."

سپس خد-اوند می‌فرماید: "خوب بگو چه آموختی؟"

اگر در اینجا انسان بگوید: "به یاد ندارم که چه آموختم" چقدر خجالت زده خواهد شد.

حال اگر شخص توره کتبی را بلد باشد ، ولی توره شفاهی ، میشناها و گماراها را بلد نباشد ، خد-اوند از او روی برمی‌گرداند و فرشتگان ، او را به جهنم می‌اندازند. اگر شخص فقط دو سه قسمت از توره شفاهی را بلد باشد ، خد-اوند او را قضاوت می‌کند و از او می‌پرسد: "فرزندم ، چرا هلاخاها را نیاموختی؟" اگر مزکی شد ، او را به جهنم نمی‌برند ، ولی اگر خد-اوند از او روی برگرداند ، او را نیز فوراً به جهنم می‌اندازند.

حال شخصی که هم توره شفاهی و هم هلاخاها را بلد است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "فرزندم ، چرا تفسیر کتاب ویبقرا را نیاموختی ، چرا قوانین ناپاکی و طهارت موجودات زنده و قوانین ناپاکی و طهارای بیماری برص که در این کتاب آمده است را نیاموختی؟"

شخصی که این قسمت را هم بلد است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "چرا دیگر قوانین توره را نیاموختی؟ موارد قرائت شمع بیسرائل ، مزوزا و تفیلین را نیاموختی؟"

شخصی که این قسمت را هم بلد است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "چرا پند و اندرز توره را نیاموختی؟ هر شخصی که پند و اندرز توره را می‌آموزد ، راهها و رفتارهای خد-اوند را آموخته و می‌داند رفتار شایسته چگونه است."

شخصی که این قسمت را هم بلد است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "چرا تلمود و گمارا نیاموختی؟ دریای عمیق توره همین تلمود است!"

شخصی که این قسمت را هم بلد است ، خد-اوند از او می‌پرسد: "تو که بلد بودی تلمود را بیاموزی ، پس چرا اسرار توره را نیاموختی؟ چرا اسرار رهبری دنیا توسط خد-اوند را نیاموختی؟"

ل م ظ های ت ف ر

سلسله نقطه نظرانی که در این مورد وجود دارد ، ردای کاهن بزرگ می‌تواند برای ما مثال محسوسی باشد.

الباس کاهنان ، تکه‌های مختلف آنها و طرز دوختشان ، به انسان یادآوری می‌کنند که صفاتی از پروردگار در او نهفته و وظیفه‌ای روحانی دارد. در

مورد اول این نقطه نظر دریا است. کسی که به ساحل دریا می‌رود و در دریا تأمل می‌نماید، احساس می‌کند چگونه دروازه‌های قلبش به فضای آبی گسترده‌ای که در مقابلش است، باز می‌شود. زندان مرزهای شهر در مقابل دریا پراکنده می‌شود. این فضا نظر انسان را گسترش داده، دید روحانی و جسمانی تازه شده و گسترش می‌یابد. نگاه گسترده انسان وقتی به رنگ لاجوردی آسمان نگاه می‌کند، عظیمتر می‌شود و اگر واقعاً از ایمانی ظریف و تیزی برخوردار باشد، قلبش توان آن را دارد که ذره‌ای از فضاهای بی‌نهایت الهی، که بالاتر از آفریده‌های انسانی می‌باشد، را درک نماید که این الهیت به زبان گمارا "صندلی پروردگار" نام گرفته است.

ماهیت رنگ لاجوردی نشانه نظر کلی است که سد محدودیت را که بر انسان و بر نفسش وجود دارد را می‌شکافد.

کسی که بدگویی می‌کند دچار محدودیت می‌شود. توجه در رفتار هم‌نوع، او را وادار کرده که هم‌نوعش را به بدی قضاوت نماید، بر او زبان بگشاید. اگر دید نظر گسترده‌ای داشت، اگر در مورد علت رفتارش فکر می‌کرد، اگر کودکی مشکلات و بدبختی‌های روزانه دوستش را می‌دانست، نظر او به خوبی مبدل می‌شد.

مگر نه اینکه در **פרקי אבות** آمده است:

"دوستت را در وزنه براثت قضاوت کن." (فصل اول، می‌شنای ششم)

قضاوت تمام انسانها، با تمام رفتار و کردار در برگیرنده‌اش. وقتی تمام رفتارش را در نظر بگیری، حتماً نقاط خوبی نیز پیدا می‌کنی، و علاقه سخن‌چینی و بدگویی کاملاً از بین می‌رود.

به همین جهت پاسوق تأکید می‌کند:

تماماً لاجوردی رنگ باشد، ردا کاملاً لاجوردی رنگ بود، بدون هیچ رنگی که در آن مرز داشته باشد. این نشان دهنده صفت فضا و دید گسترده و کلی است...

لمظه‌ای تفکر!!!

در پاراشا آمده است: ردای آن پیش بند را تماماً از پشم رنگ شده به رنگ لاجوردی درست کن. دهانه سرش به طرف داخل باشد، گرداگرد دهانه‌اش سجاف سرخود بافندگی داشته باشد، برای آنکه پاره نشود، دهانه‌ای چون زره داشته باشد. بر گرداگرد لبه‌های آن از پشم رنگ شده لاجوردی و پشم رنگ شده ارغوانی و پشم رنگ شده قرمز زینتهایی اناری شکل درست کن و گرداگرد آن زنگوله‌هایی از طلا در میان آنها باشد. بر لبه‌های آن ردا زنگوله‌های طلا و زینت اناری شکل درست کن، زنگوله طلا و زینت اناری شکل باشد. این ردا هنگام خدمت کردن به تن **אֱהִיָּהוּ** باشد تا هنگامی که به مکان مقدس به حضور پروردگار می‌آید صدای آن شنیده شود، همچنین موقع بیرون رفتنش، تا نمیرد. (شموت فصل ۲۸).

در گمارا آمده است: ردا گناه بدگویی را کفاره می‌کند. پروردگار فرموده است: صوت که در صدا است بیاید (زنگوله‌های ردا صدا ایجاد می‌کردند) و عمل صدا را کفاره کند. (**מסכת ערכין**).

توجه در ردا، باعث شده تا نظاره‌گر به خطای سخن‌چینی و بدگویی فکر کند همواره انسان به مانند سرگرمی و شغل با آن درگیر می‌باشد این افکار خود به خود باعث شده تا آن فرد از قامت کوتاه خود در مقابل سلطه زبان نابودکننده‌اش خجالت بکشد. بدون شک این شرمندگی باعث پشیمانی می‌شود که سرآغاز توبه کفاره می‌باشد. توجه در ردا، زنجیره عکس‌العمل‌هایی است که موجب کفاره و طهارت می‌باشند.

سؤالی که بوجود می‌آید این است:

چرا جلوه ردا، فکر انسان را به این طرف می‌کشد؟ چه موردی باعث شده که انسان به بدگویی فکر نماید؟ "رنگ لاجوردی" در این مورد تأثیر دارد.

در گمارا آمده است: "**רבי מאיר** همواره می‌فرمود: رنگ لاجوردی چه تفاوتی با رنگهای دیگر دارد؟ رنگ لاجوردی مانند دریا می‌باشد و دریا مانند آسمان و آسمان مانند صندلی پروردگار است." (**מסכת מנחות**).

یعنی رنگ لاجوردی در قلب انسان با ایمان، سلسله نقطه نظرانی را که صندلی پروردگار به او یادآوری می‌کند را، بیدار می‌نماید.

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴ * **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲ * **بیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۱۴۲۸۹۳۶-۵۴

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)